

نشانه‌شناسی احادیث تقطیع شده در کتاب‌های روایی

تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۵ - تاریخ تأیید: ۹۶/۵/۱۰

محمدحسین اسدی*

چکیده

تقطیع در علوم حدیث به معنای جدا کردن بخشی از یک حدیث که متناسب با موضوعی خاص است. گاهی محدثان به دلایل مختلف، بخشی از روایت را نقل کرده و با الفاظی خاص به تقطیع حدیث اشاره می‌کنند. شناخت واژگان تقطیع، آسیب‌های عارض شده در حوزه حدیث را کاسته و مخاطب حدیث را به منبع اصلی رهنمون می‌سازد. هرچند این الفاظ در منابع روایی، تعداد قابل توجهی دارند؛ اما تنها بخشی از روایت‌های تقطیع شده را به پژوهشگر نشان می‌دهد. بررسی آماری تقطیع در نقل حدیث به شیوه واژگانی، مأموریت این مقاله است. پژوهش حاضر می‌کوشد با مراجعه مستقیم به کتاب‌های روایی، تصویری تاریخی از عملکرد محدثان در تقطیع، ارائه دهد. نوآوری این مقاله در ارائه سیر تاریخی منظم برای تقطیع در ادوار مختلف حدیث شیعه بوده و ساختار مقاله بر اساس استعمال واژگان تقطیع در چهار دوره، تقسیم‌بندی شده است.

کلیدواژه‌ها: تقطیع واژگانی، اختصار الحدیث، تبویب کتب حدیثی، تاریخ حدیث.

انسان‌ها برای انتقال اطلاعات، گاهی به جای بیان تمام متن یا سخن، بخشی از آن را نقل می‌کنند تا مخاطب را به سوی هدفی خاص، رهنمون کنند. این روش، زمانی مفید است که باعث دور شدن مخاطب از مقصود اصلی گوینده نشود. گاهی محدثان نیز برای نقل روایت از این شیوه استفاده کرده‌اند. به روشی که محدثان بخشی از روایت را انتخاب و نقل کنند، در اصطلاح «تقطیع حدیث» گفته می‌شود.^۱ تقطیع حدیث به دو شیوه مرسوم است؛ تقطیعی که نویسنده متناسب با عنوان باب، بخشی از حدیث را آورده و هیچ‌گونه به تقطیع صورت گرفته اشاره نمی‌کند؛ تقطیعی که نویسنده با توجه به طولانی بودن ادامه حدیث، با الفاظی خاص به آن اشاره می‌کند. مقاله پیش‌رو بر اساس روش دوم به بررسی تقطیع حدیث پرداخته است.

محدثان، شاگردان و واسطه‌های نقل حدیث از معصومان علیهم‌السلام هستند. گاهی آنان با الفاظ مخصوص، بخشی از حدیث را انتخاب و نقل کرده‌اند. برخی تقطیع‌ها سبب آسیب‌رساندن به مقصود گوینده و فهم مخاطب می‌شود. شناخت واژگان تقطیع، پژوهشگر حدیث را از قسمت حذف شده آگاه کرده و از نگاه آسیب‌گونه محض به تقطیع دور می‌کند. هدف نوشتار پیش‌رو، ارائه آمار تقطیع حدیث در دوره‌های مختلف نگارش و انتقال حدیث است. این هدف با توجه به واژگان خاص به کاررفته در عرف محدثان، پیگیری می‌شود. با دست‌یابی به این آمار، بستری برای بررسی دلیل کمی یا زیادی استفاده از نشانه‌های تقطیع در هر دوره فراهم می‌گردد.

بحث نظری تقطیع در کتاب‌های علوم حدیثی مانند مقدمه ابن‌صلاح و الرعاية فی علم الدراریه شهید ثانی تبیین شده است. مقالاتی مانند «آسیب‌شناسی تقطیع در روایات»^۲ از سید علی دلبری و «تقطیع حدیث، علل و پیامدهای آن»^۳ نوشته مجید معارف که درباره مفهوم‌شناسی، حکم تقطیع و آسیب‌های آن مباحثی مطرح کرده‌اند؛ اما در نوشته‌های مذکور سیر منظم و تاریخی آن بیان نشده است. نگارش حاضر، با رویکرد توصیفی-تاریخی در آثار حدیثی شیعه بوده و نوآوری آن در جامعیت بررسی منابع و ارائه واژگان خاص تقطیع در دوره‌های مختلف

۱. ر.ک: الرعاية فی علم الدراریه، ص ۳۱۷.

۲. مجله علوم حدیث، بهار ۱۳۸۹، شماره ۵۵، ص ۱۳۲ - ۱۵۷.

۳. مجله پژوهش دینی، ۱۳۸۴، شماره ۱۰، ص ۶۵ - ۸۶.

است. این پژوهش در تصحیح متون حدیثی و مباحث تاریخ حدیث و علم فقه نیز کاربرد دارد. مقاله حاضر از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته و با استفاده از نرم افزارهای علوم اسلامی، مانند «جامع الاحادیث» و «مکتبه اهل البیت (علیهم السلام)» به بررسی واژگان تقطیع پرداخته است. سپس نمونه‌هایی از احادیث منقطع را ذکر کرده و با جستجوی احادیث مشابه به اصل روایت دست می‌یابد. سیر تاریخی تقطیع در چهار دوره زمانی بررسی می‌شود؛ دوره اولیه از قرن اول تا سوم؛ دوره دوم از قرن چهارم تا ششم؛ دوره سوم از قرن هفتم تا یازدهم؛ دوره چهارم از قرن دوازدهم تا دوران معاصر است. ملاک در تقسیم‌بندی این دوره‌ها و انتخاب منابع، وجود واژگان خاص به کاررفته در کتاب‌های حدیثی بوده و با تقسیم مرسوم در تاریخ حدیث تفاوت دارد.

الف) دوره اولیه (قرن‌های اول تا سوم)

تقطیع روایات از روزهای اولیه ثبت احادیث، آغاز شده است؛ زیرا اغلب محدثان بعد از دریافت حدیث از معصومان (علیهم السلام) بر اساس نیاز و فهم خویش، همان قسمتی از حدیث را که نیاز داشته، ثبت و نقل کرده و در اصول اولیه نگاشته‌اند.^۱

قرن اول تا سوم دارای اهمیت ویژه است؛ زیرا مصادف با عصر حضور معصومان (علیهم السلام) بوده و نگارش کتاب‌های اولیه حدیث شیعه، مانند اصل‌های برجای مانده در کتاب *الأصول الستة عشر* و منابع دیگری چون *المحاسن*، *قرب الاسناد* و *بصائر الدرجات* در این دوره صورت گرفته است که برخی از آن‌ها، به‌عنوان منابع و مصادر جوامع حدیثی، مانند *الکافی* استفاده شده است. می‌توان از این دست به کتاب‌های سی‌گانه حسین بن سعید اهوازی اشاره کرد که یکی از مهم‌ترین منابع برای محدثان در زمان‌های بعد بوده است.

یکی از اولین مصادر به‌دست‌آمده در دوره اول، حدیثی از حضرت علی (علیه السلام) در باب آداب معروف به *آداب امیر المؤمنین* بوده که قاسم بن یحیی راشدی در قرن دوم هجری آن را در قالب یک کتاب، تألیف کرده است. محقق این کتاب در مقدمه آورده:

احادیث این کتاب به دو شکل به‌دست ما رسیده است؛ اول: بدون تقطیع؛ شیخ صدوق در حدیث ۳۸۹ آخر کتاب *الخصال*، حدیث ۳۴۵ *تحف العقول*.^۲ دوم: به شکل تقطیع شده، حدیث

۱. ر.ک: نگاهی به *دریا*، ص ۴۰۹؛ *جزوه جوامع حدیثی فریقین*، ص ۵۹.

۲. علامه مجلسی نیز این متن را به صورت کامل در *بحار الانوار* آورده است؛ ر.ک: *بحار الانوار*، ج ۱، ص ۵۲.

۲۹ برقی در کتاب المحاسن، حدیث ۴۲ کلینی در کتاب الکافی، شیخ صدوق حدیث ۱۶ کتاب فقیه و حدیث ۱۵ علل الشرائع، همچنان که شیخ طوسی در کتاب تهذیب حدیث ۱۰۶.^۱
نمونه دیگر از روایت‌های تقطیع شده در دوره اولیه (قرن اول تا سوم)، روایت حرث بن مغیره از امام صادق علیه السلام است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: جَاءَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ دُفِنَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالْحَدِيثُ طَوِيلٌ فَقَالَ لَهُمَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَا مَا ذَكَرْتُمَا أَنِّي لَمْ أَشْهَدْكُمْ أَمْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَإِنَّهُ قَالَ لَا يَرَى عَوْرَتِي أَحَدٌ غَيْرَكَ إِلَّا ذَهَبَ بَصَرُهُ وَلَمْ أَكُنْ لِأُوذِيكُمَا بِهِ وَأَمَا كَيْبِي عَلَيْهِ فَإِنَّهُ عَلَّمَنِي أَلْفَ حَرْفٍ كُلُّ حَرْفٍ يَفْتَحُ أَلْفَ حَرْفٍ فَلَمْ أَكُنْ لِأُطْلِعْكُمْ عَلَى سِرِّ رَسُولِ اللَّهِ؛^۲ امام صادق علیه السلام فرمود: ابوبکر و عمر زمانی که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به خاک سپرده شدند، نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمده بودند - حدیث طولانی است - امیر مؤمنان علیه السلام به آن دو فرمود: اما در آنچه اعتراض داشتید که چرا در امر [غسل و کفن] رسول خدا شما را شرکت ندادم به این دلیل است که ایشان فرمود: کسی غیر از تو عورت مرا نبیند مگر این که کور شود و من نخواستم تا بدین سبب، آسیبی متحمل شوید؛ اما نزدیک بودنم بر پیامبر [و درگوشی سخن گفتم با وی در آن لحظه برای انتقال علوم نبوی بود] چرا که پیامبر هزار حرف به من تعلیم داد که از هر حرفی هزار حرف گشوده می‌شود و من هرگز برای شما از این سِرِّ رسول خدا پرده بر نمی‌دارم.

در این روایت از کلمه «الحدیث طویل» برای نشان دادن تقطیع و اختصار آن استفاده شده است.^۳

جدول ذیل نتیجه بررسی‌های صورت‌گرفته در تمام منابع حدیثی قرن اول تا سوم را نشان می‌دهد. گفتنی است ملاک بررسی، وجود الفاظ دلالت‌کننده بر تقطیع در کتاب‌هاست.^۴

۱. رک: آداب امیر المؤمنین علیه السلام، مقدمه ص ۸.

۲. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۳۰۸؛ لازم به ذکر است این حدیث در منابع دیگر به صورت کامل نیامده است؛ مانند رک: الخصال، ج ۲، ص ۶۴۸.

۳. معمولاً مؤلفان و مصنفان کتاب‌های روایی، با استفاده از کلمات خاصی به اختصار و تقطیع صورت پذیرفته اشاره می‌کرده‌اند تا مخاطب را از تقطیع صورت پذیرفته آگاه کنند. کلماتی مانند الحدیث طویل، اخذنا منه موضع الحاجة و ...

۴. کلیدواژگان بیان شده اعم از کلام مصنف و محقق کتاب بوده ولی با تحقیق صورت‌گرفته، تحقق تقطیع یقینی است. کلیدواژگانی چون «الخبر» و «الحدیث طویل» نشان‌دهنده تقطیع مصنف کتاب است اما کلیدواژه‌ای چون «قطعة من الحدیث» و «تقطیع فی العبارة» نشان از تقطیعات بررسی‌شده توسط محققین کتاب بوده و در تمامی الفاظ مذکور صادق است.

قرن	منبع	کلیدواژه	تعداد
۳-۱	الاصول الستة عشر	الخبر ^۱	۲
	بصائر الدرجات	الحديث طويل ^۲	۴
	صحيفة الرضا	زاد فيه ^۳	۱
	قرب الاسناد	قطعة من الحديث ^۴	۱۵
	المحاسن	زاد فيه ^۵	۸
	مسائل علی بن جعفر <small>عليه السلام</small> و مستدرکاتها	قطعة من الحديث ^۶	۱۱

دوره آغازین حدیث از قرن اول تا سوم، مصادف با شکل‌گیری نوشته‌های حدیثی است. راویان غالباً روایت را همان‌گونه که شنیده، نقل کرده‌اند. در این دوره، نسبت به دوره‌های بعد تبویب و نظم در چیدمان احادیث، کمتر است. از آن‌جا که تبویب، اصلی‌ترین سبب تقطیع احادیث است؛ از این‌رو در این برهه زمانی حجم اندکی از تقطیع واژگانی مشاهده می‌شود. به دنبال آن نگارندگان احادیث، کمتر به الفاظ خاص تقطیع، اشاره کرده‌اند. گفتنی است در میان منابع مختلف این دوره، فقط شش منبع مذکور از واژگان خاص تقطیع استفاده کرده‌اند.

ب) دوره دوم (قرن‌های چهارم تا ششم)

ظهور عالمان و محدثان بزرگی چون ثقة‌الاسلام کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید و شیخ طوسی سبب رونق حدیث در این زمان بوده است. پدید آمدن جوامع حدیثی اولیه و کتب اربعه باعث رواج و نظم حدیث شد. از آنجا که تبویب کتاب‌ها، اصلی‌ترین علت تقطیع بوده، در این

۱. ص ۵۳ و ۸۵.

۲. برای نمونه ج ۱، ص ۳۷۵ و ۳۰۸.

۳. ص ۶۲. شاید برخی تصور کنند کلیدواژه «زاد فيه» تنها برای اختلاف نسخه به کار می‌رود اما در برخی موارد اختلاف دو منبع در یک حدیث به قدری زیاد است که نمی‌توان پذیرفت صرفاً اختلاف نسخه هست بلکه می‌تواند نشان‌دهنده تقطیع در منبع اصلی باشد.

۴. برای نمونه رک: ص ۳۲ و ۱۹.

۵. برای نمونه رک: ج ۱، ص ۱۷۵ و ج ۲، ص ۳۶۰.

۶. برای نمونه رک: ص ۱۳۲ و ۲۹۰.

دوره، تقطیع حدیث نسبت به دوره قبل، به شکلی پررنگ دیده می‌شود.

مهم‌ترین منبع و جامع حدیثی این دوره کتاب *الکافی* است. بر اساس مقایسه‌ای که در بخش آماری این نگاه‌شده با جوامع متأخر، همچون *بحار الأنوار* یا *وسایل الشیعه* صورت گرفته، کتاب *الکافی*، تقطیع واژگانی بسیار کمی دارد که یکی از نقاط قوت این جامع حدیثی است.^۱

به‌عنوان نمونه می‌توان روایت جمیل از امام صادق علیه السلام اشاره کرد:

عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْمُؤْمِنُونَ خَدَمَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ قُلْتُ وَ كَيْفَ يَكُونُونَ خَدَمًا بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ قَالَ يَفِيدُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا الْحَدِيثُ؛^۲ جمیل از امام صادق علیه السلام روایت کرد؛ شنیدم فرمودند: برخی مؤمنان به برخی دیگر خدمت می‌کنند. عرض کردم: چگونه بعضی خدمت به برخی می‌کنند؟ فرمود: بعضی فایده به برخی دیگر می‌رسانند.

کلینی حدیث مذکور را تقطیع کرده و با واژه «الحدیث» به آن تصریح نموده است.^۳

شیخ صدوق یکی دیگر از محدثان بزرگ این زمان، صاحب کتاب *من لا یحضره الفقیه* است. ایشان در کتاب‌های مختلف حدیثی در نقل بسیاری از احادیث با کلمه «الحدیث طویل» به تقطیع روایت، اشاره می‌کند.^۴ به‌عنوان نمونه حدیث ذیل از کتاب *معانی الأخبار* انتخاب شده است:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام، قَالَ: مَرَضَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ الرِّضَا عليه السلام اعاده فَقَالَ كَيْفَ تَجِدُكَ قَالَ لَقِيتُ الْمَوْتَ بَعْدَكَ يَرِيدُ مَا لَقِيَهُ مِنْ شِدَّةٍ مَرَضِهِ فَقَالَ كَيْفَ لَقِيتَهُ فَقَالَ أَلِيمًا شَدِيدًا فَقَالَ مَا لَقِيتَهُ إِلَّا لَقِيتُ مَا يَنْدِرُكَ بِهِ وَيَعْرِفُكَ بَعْضُ حَالِهِ إِنَّمَا النَّاسُ رَجُلَانِ مُسْتَرِيحٌ بِالْمَوْتِ وَمُسْتَرَاخٌ بِهِ مِنْهُ فَجَدِّدِ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ وَ بِالْوَلَايَةِ تَكُنْ مُسْتَرِيحًا فَفَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ، وَ الْحَدِيثُ طَوِيلٌ أَخَذْنَا مِنْهُ مَوْضِعَ الْحَاجَةِ؛^۵ امام جواد علیه السلام روایت کرد: مردی از یاران امام رضا علیه السلام بیمار شد. امام علیه السلام به عیادت او رفته و حالش را جویا شدند. آن مرد گفت: مرگ را بعد از شما ملاقات کردم و از این کلام اشاره به شدت مریضی داشت. امام علیه السلام فرمودند: مرگ را چگونه ملاقات کردی؟ پاسخ داد، دردی شدید. حضرت بیان داشتند: مرگ را ملاقات نکردی بلکه آنچه سبب انذار بود ملاقات کردی و بعضی از حالت‌های خود را به تو شناساند. مردم دو گونه‌اند: [برخی] به‌وسیله مرگ [مومن] راحت شوند و [گروه دیگر] با مرگ او [دیگران] به راحتی رسند، پس ایمانت را به

۱. گفتنی است این مقایسه با توجه به تبویب که اصلی‌ترین علت تقطیع در همه جوامع حدیثی بوده، صورت گرفته است.

۲. *الکافی*، ج ۲، ص ۱۶۷.

۳. *الکافی*، ج ۶، ص ۵۲۸ و ج ۲، ص ۶۶۶.

۴. برای نمونه *رک: الخصال*، ج ۱، ص ۶۰ و ج ۲، ص ۳۴۵ و *التوحید*، ص ۴۷ و *علل الشرایع*، ج ۱، ص ۴۴ و *من لا یحضره*

الفقیه، ج ۲، ص ۳۲۸.

۵. *معانی الأخبار*، ص ۲۹۰.

خدا و ولایت تجدید کن تا مرگ مایه راحتی تو باشد و آن فرد همان گونه عمل کرد.
شیخ صدوق در پایان روایت با «الحديث طویل»، به تقطیع انجام شده، اشاره کرده است. متن کامل این حدیث در بحارالانوار به نقل از کتاب سلوة الحزین معروف به «دعوات راوندی» آمده است.^۱

شیخ طوسی یکی دیگر از بزرگان این دوره در کتاب هایش به مناسبت های مختلف به بحث تقطیع پرداخته است. ایشان در الاستبصار^۲ حکم جواز تقطیع را بیان کرده و در الامالی^۳ موردی از تقطیع نادرست را معرفی می کند و در کتاب العدة^۴ نمونه هایی از روایات تقطیع شده در کتب اهل سنت را می آورد.

شیخ مفید نیز از دیگر عالمان بزرگ این دوره است؛ اما در کتاب های ایشان تقطیع قابل ملاحظه ای مشاهده نمی شود و منابع دیگر نیز موارد معدودی از تقطیع در حدیث داشته اند.^۵
جدول ذیل موارد تقطیع در قرن چهارم و پنجم را نشان می دهد.

۱. ر.ک: بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۷۲.

۲. ر.ک: ج ۱، ص ۴۲۸.

۳. ر.ک: ص ۲۴۹.

۴. ر.ک: ج ۱، ص ۹۴.

۵. ر.ک: شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳۲ و نوادر المعجزات، ص ۲۴۲.

قرن	منبع	کلیدواژه	تعداد
۴	تفسیر فرات الکوفی	الی ان قال ^۱	۱
	التوحید	الحديث طويل أخذنا منه موضع الحاجة ^۲	۹
	الخصال	الحديث طويل أخذنا منه موضع الحاجة ^۳	۹
	علل الشرايع	الحديث طويل أخذنا منه موضع الحاجة ^۴	۱
	الكافی	الی ان قال- الحديث- الحديث مختصر- الحديث طويل قطعه كلينی ^۵	۹
	كامل الزيارات	ذكر مثله مع الزيادة ^۶	۲
	كتاب من لا يحضره الفقيه	الحديث طويل أخذنا منه موضع الحاجة ^۷	۱
	كمال الدين	الی ان قال- الحديث طويل أخذنا منه موضع الحاجة ^۸	۳
	معانی الاخبار	الحديث طويل أخذنا منه موضع الحاجة ^۹	۷

۱. ص ۵۵۶.

۲. ص ۷۵ و ۴۷.

۳. ج ۱، ص ۶۰ و ۶۸.

۴. ج ۱، ص ۴۴.

۵. ج ۱، ص ۷۲ و ۸۲.

۶. ص ۲۶ و ۲۷.

۷. ج ۲، ص ۳۲۸.

۸. ج ۱، ص ۳۲۸ و ۳۳۱.

۹. برای نمونه ص ۵۵ و ۲۹۰.

۱	الحديث طويل ^۱	الاختصاص	۵
۳	الى ان قال - بعض الحديث ^۲	الاستبصار فيما اختلف من الأخبار	
۲	الى ان قال - بعض الحديث ^۳	الامالي (طوسی)	
۱۰	ذكر الحديث الى ان قال ^۴	تهذيب الاحكام	
۵	الى ان قال - الحديث طويل ^۵	شواهد التنزيل لقواعد التفضيل	
۲	الى ان قال - الحديث طويل ^۶	عيون المعجزات	
۴	الى ان قال ^۷	الغيبة (طوسی)	
۱	قطعة من الحديث ^۸	المناقب (العلوی)	
۳	قطعة من الحديث ^۹	نوادير المعجزات في مناقب الأئمة الهداة	
۱	الحديث طويل ^{۱۰}	بشارة المصطفى لشيعته المرتضى	
۴	الحديث طويل ^{۱۱}	الخرائج والجرائح	

۱. ص ۹۱ و ۲۷۱.

۲. ج ۱، ص ۴۲۸.

۳. ص ۲۴۹.

۴. ج ۱، ص ۱۱۷ و ۲۴۲.

۵. ج ۱، ص ۳۱۷ و ۴۳۲.

۶. ص ۵۶.

۷. ص ۴۸ و ۵۶.

۸. ص ۴۴ و ۱۷۵.

۹. برای نمونه، ص ۲۴۲.

۱۰. ج ۲، ص ۲۴۴.

۱۱. ج ۱، ص ۱۱۴.

دوره دوم از قرن های چهارم تا ششم اهمیت به سزایی دارد؛ زیرا به سبب شکل گیری جوامع حدیثی چون الکافی، من لا یحضره الفقیه و تهذیب الاحکام و نیز به دلیل ظهور محدثان و عالمان بزرگی چون کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی که با نگارش کتاب های مختلف روایی در رونق حدیث تأثیر عمده ای داشتند. این دوره با شکل گرفتن تنظیم و تبویب احادیث، آمار تقطیع واژگانی آن بیشتر از دوره اول است.

ج) دوره سوم (قرن های هفتم تا یازدهم)

دوره سوم، پس از شیخ طوسی تا قرن دهم، دوره فترت حدیث محسوب می شود. در این دوره به علت های مختلف سیاسی و... کتابت منابع حدیثی به حداقل خود رسید؛ از این رو در این فاصله زمانی، موارد اندکی از تقطیع واژگانی روایت در کتاب های حدیثی دیده می شود. قرن دهم با رواج کتب ادعیه و قرن یازدهم با ظهور شارحان و شرح نویسی بر جوامع حدیثی، طراوتی دوباره بر حدیث عارض می شود. محمدتقی مجلسی، فیض کاشانی، ملا صالح مازندرانی و محمد بن حسن فرزند شهید ثانی از شارحان بزرگ این دوره محسوب می شوند. گفتنی است، خاندان ابن طاووس - به ویژه سیدعلی بن طاووس - را به علت فعالیت در عرصه ادعیه و حدیث باید استثنا کرد. در قرن هفتم تا نهم، آمار تقطیع واژگانی بسیار ناچیزی است؛ ولی در قرن های دهم و یازدهم دوباره تقطیع پیرو گسترش فعالیت های حدیثی گسترش می یابد. در این بخش مواردی از تقطیع حدیث در منابع این دوره به عنوان نمونه، بیان می شود.

حسن بن سلیمان حلی از هشام بن سالم در مختصر البصائر با سند خود از شیخ صدوق نقل

می کند:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُ أَبِي يَحَدِّثُ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَجُلًا قَامَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا عَرَفْتُ رَبَّكَ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِفَسْخِ الْعَزْمِ، وَنَقْضِ الْهَمِيمِ، لَمَّا أَنْ هَمَمْتُ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَ هَمِّي، وَعَزَمْتُ فَخَالَفَ الْقَضَاءُ عَزْمِي، فَعَلِمْتُ أَنَّ الْمُدَبَّرَ غَيْرِي؛^۱ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: شنیدم پدرم از پدرشان روایت کرد؛ مردی به سوی امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ رفت و عرض کرد: ای امیر مؤمنان چگونه خدایت را شناختی؟ حضرت فرمودند: به شکستن اراده و گسستن همت ها، زمانی که اراده ای کردم بین من و اراده ام حائل شد و قصد کردم، قضای الهی با آن مخالفت ورزید، پس دانستم تدبیر کننده غیر از من است.

۱. مختصر البصائر، ص ۳۴۷.

با مشابه‌یابی این روایت در کتاب *الخصال* و در دیگر منابع^۱ مشخص شد که تقطیع شکل گرفته است. مصنف پس از نقل حدیث، با عبارت «الحديث طويل اخذنا منه موضع الحاجة» تصریح به اختصار حدیث کرده و بر اساس نیاز به بخش اول روایت، آن را در باب «احادیث القضاء والقدر» آورده است.

متن کامل آن در *الخصال* بدین صورت می‌باشد:

أَنَّ رَجُلًا قَامَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا عَرَفْتُ رَبِّكَ قَالَ بِفَسْخِ الْعَزْمِ وَ نَقْضِ الْهَمَمِّ لَمَّا أَنْ هَمَمْتُ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَ هَيْبِي وَ عَزَمْتُ فَخَالَفَ الْقَضَاءُ عَزْمِي فَعَلِمْتُ أَنَّ الْمُدَبِّرَ غَيْرِي قَالَ فِيمَاذَا شَكَرْتُ نِعْمَاءَهُ قَالَ نَظَرْتُ إِلَى بَلَاءٍ قَدْ صَرَفَهُ عَنِّي وَ أُبْلِيَ بِهِ غَيْرِي فَعَلِمْتُ أَنَّهُ قَدْ أَنْعَمَ عَلَيَّ فَشَكَرْتُهُ قَالَ فِيمَاذَا أَحْبَبْتُ لِقَاءَهُ قَالَ لَمَّا رَأَيْتُهُ قَدْ اخْتَارَ لِي دِينَ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ عَلِمْتُ أَنَّ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِهَذَا لَيْسَ يَنْسَانِي فَأَحْبَبْتُ لِقَاءَهُ؛^۲ مردی

به سوی امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ رفت و عرض کرد: ای امیر مؤمنان به چه چیزی خدایت را شناختی؟ حضرت فرمود: به شکستن اراده و گسستن همت‌ها، زمانی که اراده‌ای کردم بین من و اراده‌ام حائل شد و قصد کردم قضای الهی با آن مخالفت ورزید، پس دانستم تدبیرکننده غیر از من است. مرد گفت: چگونه شکر نعمت‌هایش را کرده‌ای؟ فرمود: به بلایی که از من برگرداند و دیگری را به بلا مبتلا کرد، پس دانستم که بر من نعمت دارد و شکرش کردم. او گفت: چگونه ملاقاتش را دوست داری؟ فرمود: زمانی که دین ملائک و فرستادگان و انبیائش را برایم برگزید، دانستم آن‌که مرا با این گرامی داشته، فراموشم نکرده است؛ بنابراین ملاقاتش را دوست دارم.

کتاب *عوالی اللئالی* یکی دیگر از منابع قرن دهم است که روایات فراوانی به صورت تقطیع نقل کرده است. به عنوان نمونه «بریده بن معاویه» روایتی^۳ تقطیع شده از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کرده و با کلمه «الی قوله» به آن اشاره می‌کند:

سَأَلْتُ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ إِلَى قَوْلِهِ وَ لَاءُ الْمُعْتَقِ مِيرَاثٌ لِجَمِيعِ وُلْدِ الْمَيْتِ مِنَ الرِّجَالِ؛^۴ از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره مردی پرسیدم تا کلام ایشان سرپرستی معتق میراث، برای تمامی فرزندان ذکور میت است.

جدول ذیل آمار روایات تقطیع در قرن هفتم تا یازدهم را نشان می‌دهد.

۱. التوحید، ص ۲۸۸.

۲. ر.ک: *الخصال*، ج ۱، ص ۲۳.

۳. اصل این روایت را کلینی در *الکافی*، ج ۷، ص ۱۷۱ به صورت کامل نقل کرده است.

۴. *عوالی اللئالی*، ج ۳، ص ۵۰۷.

قرن	منبع	كليدواژه	تعداد
۷	الإقبال بالأعمال الحسنة	الى ان قال - الحديث مختصر ^۱	۲
	الأمان من أخطار الأسفار والأزمان	الحديث مختصر ^۲	۱
	الدروع الواقية	قطعة من الحديث ^۳	۱
	الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف	الى ان قال - الحديث طويل اخذنا منه موضع الحاجة ^۴	۴
	الفضائل	الحديث طويل ^۵	۱
	اللهموف على قتلى الطفوف	الحديث طويل اخذنا منه موضع الحاجة ^۶	۱
	مختصر البصائر الدرجات	الحديث طويل اخذنا منه موضع الحاجة ^۷	۱
۸	مختصر البصائر الدرجات	الحديث طويل اخذنا منه موضع الحاجة ^۷	۱
۹	أعلام الدين في صفات المؤمنين	قطعة من الحديث ^۸	۱
۱۰	عوالي اللئالي العزيبية في الأحاديث الدينية	الى قوله - الى ان قال - الحديث طويل - قطعة من الحديث ^۹	۴۳
۱	تفسير الصافي	الى ان قال ^{۱۰}	۱۹
	شرح الكافي (المازندراني)	الى ان قال - الحديث طويل اخذنا منه موضع الحاجة ^{۱۱}	۱۴
	الوافي	الى ان قال - الحديث طويل اخذنا منه موضع - الحاجة ^{۱۲}	۱۳

۱. ج ۲، ص ۵۰.

۲. ص ۱۳۱.

۳. ص ۴۳.

۴. ج ۱، ص ۳۰۳.

۵. ص ۷۶.

۶. ص ۱۷۲.

۷. ص ۳۴۷.

۸. ص ۲۵۵.

۹. رك: ج ۱، ص ۲۹۰ و ج ۲ ص ۳۴۵.

۱۰. رك: ج ۲، ص ۱۳۴ و ۳۳۴.

۱۱. رك: ج ۱۲، ص ۳۰۴ و ج ۲، ص ۳۲۰.

۱۲. ج ۳، ص ۷۱۸.

دوره سوم حدیث، قرن‌های ششم تا نهم به علت رکود حاکم در نشر و نگارش حدیث، تقطیع اندک واژگانی در میان منابع آن دیده می‌شود؛ اما قرن دهم و یازدهم با شروع شکل‌گیری شرح نویسی و خروج از رکود نشر حدیث، تقطیعات بیشتری به وجود آمده است. در این دوره دوازده منبع حدیثی از واژگان تقطیع استفاده کردند. آمار تقطیع در این زمان بیشتر از دوره‌های قبل بوده و روند تقطیع حدیث - براساس بررسی نموداری که در پایان مقاله آمده است - سیری صعودی دارد.

د) دوره نهایی (قرن دوازدهم تا معاصر)

قرن دوازدهم، نشر حدیث جان تازه‌ای می‌گیرد، جوامع حدیثی چون *بحارالانوار*، *وسایل الشیعه* و تفاسیر روایی مانند *نورالثقلین*، *البرهان* و *کنزالدقائق* از نگاه‌های حدیثی این برهه‌ی تاریخی است. در این دوره جوامع حدیثی، تقطیع بیشتری نسبت به تفاسیر روایی دارند؛ *بحارالانوار* با تعداد ۱۴۵۱ تقطیع، سبب بالا رفتن آمار تقطیع در این عصر شده است.^۱

تفاسیر روایی، حجم زیادی از روایات را در خود جای داده‌اند؛ زیرا مفسران لزومی بر نقل کامل روایت احساس نمی‌کردند و همین امر سبب تقطیعات فراوانی در تفاسیر روایی شده است. از میان منابع تفسیری، کتاب *نورالثقلین* با ۹۲۷ تقطیع، بیشترین آمار انقطاع حدیث را به خود اختصاص داده است.

بحارالانوار *الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار* علیهم‌السلام به عنوان یکی از جوامع بزرگ حدیثی شیعه، دارای تقطیعات فراوان است. علامه مجلسی با عباراتی نظیر «الحدیث مختصر» و «الحدیث طویل اخذنا منه موضع الحاجة» و «الخبر» مخاطب را به تقطیع حدیث آگاه کرده است.

روایت تقطیع شده «حریز» از «زراره» در کتاب *بحارالانوار*، یکی از موارد فراوان تقطیع در این جامع حدیثی است:

قُلْتُ لَهُ الرَّجُلُ يِنَامُ وَإِنْ حُرِّكَ إِلَى جَنْبِهِ شَيْءٌ لَمْ يَعْلَمْ بِهِ قَالَ لَا حَتَّى يَسْتَيْقِنَ أَنَّهُ قَدْ نَامَ فَإِنَّهُ عَلَى يَقِينٍ مِنْ وُضُوئِهِ وَلَا يَنْقُضُ الْيَقِينَ بِالشَّكِّ وَلَكِنْ يَنْقُضُهُ بِيقِينٍ آخَرَ وَ الْحَدِيثُ مُخْتَصَرٌ^۲ زراره می‌گوید به امام عرض کردم: مرد می‌خوابد در حالی که اگر چیزی کنار او حرکت کند متوجه

۱. گفتنی است که این آمار را نگارنده با استفاده از نرم‌افزارهای جامع الاحادیث ۳،۶ و مکتبه اهل‌البیت علیهم‌السلام به روش بررسی دقیق واژگانی در تمامی منابع هر دوره، به دست آورده است.

۲. *بحارالانوار*، ج ۲، ص ۷۴.

نمی‌شود؛ فرمود: خیر تا اینکه یقین پیدا کند خوابیده است. پس او یقین بر وضویش دارد و شک یقین او را نقض نمی‌کند ولی یقین دیگری [آن یقین را] نقض می‌کند.

با توجه به اینکه این روایت را علامه مجلسی از کتاب تهذیب الاحکام نقل کرده، شیخ طوسی

متن روایت را به شکل کامل آورده است:

قُلْتُ لَهُ الرَّجُلُ يَنَامُ وَ هُوَ عَلَى وُضُوئِهِ أَ تُوجِبُ الْخَفَقَةَ وَ الْخَفَقَتَانِ عَلَيْهِ الْوُضُوءَ فَقَالَ يَا زُرَّارَةُ قَدْ تَنَامُ الْعَيْنُ وَ لَا يَنَامُ الْقَلْبُ وَ الْأُذُنُ فَإِذَا نَامَتِ الْعَيْنُ وَ الْأُذُنُ وَ الْقَلْبُ فَقَدْ وَجَبَ الْوُضُوءُ قُلْتُ فَإِنْ حُرِّكَ إِلَى جَنْبِهِ شَيْءٌ وَ لَمْ يَعْلَمْ بِهِ قَالَ لَا حَتَّى يَسْتَيْقِنَ أَنَّهُ قَدْ نَامَ حَتَّى يَجِيءَ مِنْ ذَلِكَ أَمْرٌ بَيِّنٌ وَإِلَّا فَإِنَّهُ عَلَى يَقِينٍ مِنْ وُضُوئِهِ وَ لَا يَنْقُضُ الْيَقِينَ أَبَدًا بِالسَّكِّ وَ لَكِنْ يَنْقُضُهُ بِيَقِينٍ آخَرَ؛ زراره می‌گوید به امام عرض کردم: مرد می‌خوابد در حالی که وضو دارد آیا با یک یا دو چرت او وضو بر او واجب می‌شود؟ فرمود: ای زراره چشم می‌خوابد در حالی که قلب و گوش نمی‌خوابند؛ زمانی که چشم و گوش و قلب خوابیدند وضو واجب است. گفتیم: اگر چیزی کنار او حرکت کند متوجه نشد؟ فرمود: خیر [وضو واجب نیست] تا زمانی که یقین به خوابیدن پیدا کند و تا حدی که دلیل روشنی بر آن [خواب] پیدا شود و در غیر آن صورت، یقین بر وضویش باقی است و هیچ‌گاه یقین با شک نقض نمی‌شود ولی یقین با یقینی دیگر نقض خواهد شد.

بنابراین، علامه مجلسی با کلمه «الحديث مختصر» تصریح به تقطیع در روایت کرده است.

وسایل الشیعه، یکی دیگر از جوامع حدیثی در این دوره است. تقطیعات فراوان این کتاب

موجب شد، آیت الله بروجردی برای تدارک این آسیب، به نگارش کتاب جامع الاحادیث اقدام کند.^۲

روایت حارث بن مغیره نمونه تقطیع شده در وسایل الشیعه است:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَدْعُو اللَّهَ فَمَجِّدْهُ وَ اِحْمَدْهُ وَ سَبِّحْهُ وَ هَلِّلْهُ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله ثُمَّ سَلِّ تَعْظُ؛^۳ امام صادق عليه السلام در حدیثی فرمود: آن‌گاه که درخواست از خدا را اراده کردی پس او را تمجید، حمد و تسبیح و تهلیل و ثنا کن و بر پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله درود فرست سپس درخواست کن؛ به تو عطا می‌شود.

متن کامل این روایت در الکافی به شکل زیر آمده است:

إِنَّ فَضْلَ الدُّعَاءِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ عَلَى الدُّعَاءِ بَعْدَ النَّافِلَةِ كَفَضْلِ الْفَرِيضَةِ عَلَى النَّافِلَةِ قَالَ ثُمَّ قَالَ ادْعُهُ وَ لَا تَقُلْ قَدْ فُرِعَ مِنَ الْأَمْرِ فَإِنَّ الدُّعَاءَ هُوَ الْعِبَادَةُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ

۱. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۸.

۲. رک: مقاله «جامع احادیث شیعه امتیازها و ضعف‌ها و روش استفاده از آن»، ص ۲-۵.

۳. وسایل الشیعه، ج ۷، ص ۸۱.

عَنْ عِبَادَتِي سَيَذْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ وَقَالَ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ وَقَالَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَدْعُو اللَّهَ فَمَجِدْهُ وَأَحْمِدْهُ وَسَبِّحْهُ وَهَلِّلْهُ وَأُثْنِ عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ص ثُمَّ سَلَّ تُعْطُ؛^۱ فضیلت دعای بعد از نماز واجب بر دعا بعد از نماز مستحب مثل فضیلت واجب بر مستحب است. سپس فرمود: خدا را بخوانید و مگویید که امر حتمی شد چون دعا همان عبادت است. خداوند عز و جل می فرماید: کسانی که از عبادت من استکبار ورزند به زودی با خواری وارد جهنم خواهند شد و فرمود: مرا بخوانید تا شما را استجابت کنم و حضرت فرمود: آن گاه که درخواست از خدا را اراده کردی پس او را تمجید، حمد و تسبیح و تهلیل و ثنا کن و بر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درود فرست پس درخواست کن که به تو داده می شود.

تفسیر دیگری چون کنز الدقائق و بحر الغرائب و البرهان فی تفسیر القرآن نیز تقطیعاتی داشته اند؛ اما تفسیر روایی نورالثقلین بیشترین تقطیع را در میان تفاسیر روایی به خود اختصاص داده است.

حدیث جراح مدائنی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نمونه تقطیع شده در نورالثقلین است. این روایت را از کتاب الکافی نقل کرده است:

قال إن الصيام ليس من الطعام والشراب وحده ثم قال قالت مريم إني نذرت للرحمن صوماً أي صوماً صمتاً؛^۲ روزه تنها باز داشتن از غذا و نوشیدن نیست سپس فرمود: مریم گفت: من برای خدا نذر کرده ام یعنی روزه سکوت.

در صورتی که متن کامل آن در الکافی چنین است:

إن الصيام ليس من الطعام والشراب وحده ثم قال قالت مريم إني نذرت للرحمن صوماً أي صوماً صمتاً فإذا صمتهم فاحفظوا ألسنتكم وعضواً أبصاركم ولا تنازعوا ولا تحاسدوا قال وسمع رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امرأة تسب جارية لها وهي صائمة فدعا رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بطعام فقال لها كُلي فقالت إني صائمة فقال كيف تكونين صائمة وقد سببت جارتك إن الصوم ليس من الطعام والشراب؛^۳ روزه تنها باز داشتن از غذا و نوشیدن نیست؛ سپس فرمود: حضرت مریم گفت: من برای خدا نذر کرده ام یعنی روزه سکوت. پس آن گاه که روزه گرفتید زبان هایتان را نگه دارید و چشم هایتان را بیوشانید و منازعه و حسادت نکنید و فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنید، زنی در حالی که روزه بود، جاریه اش را سب کرد؛ پس رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ او را برای غذا فرا خواند و به او فرمود: غذا بخور. زن عرض کرد: روزه ام، حضرت فرمود: چگونه روزه ای در حالی که جاریه ات را

۱. الکافی، ج ۳، ص ۳۴۱.

۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۳۲.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۸۸.

سب کرده‌ای! روزه فقط جلوگیری از خوردن و آشامیدن نیست.

حویزی در *نورالتقلین* با عبارت «الحديث طويل أخذنا منه موضع الحاجة» اشاره به تقطیع حدیث کرده است.

در قرن چهاردهم جامع حدیثی دیگری شکل می‌گیرد؛ جامع *أحاديث الشيعة* محصول این دوره است. یکی از اهداف نگارش این کتاب، جلوگیری از آسیب تقطیع است.^۱ آمار بالای اختصار حدیث در این منبع، طبق بررسی نگارنده با هدف اصلی نویسنده، تضادی روشن دارد.^۲ جامع *الاحاديث* در نقل از منابعی چون *نهج البلاغه*،^۳ *الامالی طوسی*،^۴ *الاختصاص*،^۵ *تفسیر قمی*،^۶ *تحف العقول*،^۷ *تفسیر عیاشی*،^۸ *رجال کشی*،^۹ *المقنعه*^{۱۰} و دیگر منابع تقطیع کرده است.

در اینجا به عنوان نمونه، حدیث ابن فضال از امام صادق عليه السلام بیان می‌شود:

عن الصادق عن أبيه عن آبائه عليهم السلام عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال شرُّ الكسبِ الرِّبَا الخَبْرُ؛^{۱۱} امام

صادق عليه السلام از پدرانشان از پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم نقل فرمود: بدترین کسب ربا است.

مصنف جامع *احاديث الشيعة* با کلمه «الخبر» به تقطیع به‌کاررفته در روایت، اشاره کرده‌اند.

در جدول ذیل، آمار تقطیع واژگانی قرن دوازدهم و چهاردهم ارائه شده است.

۱. ر.ک: مقاله «جامع احاديث شيعة امتيازها و ضعفها و روش استفاده از آن».

۲. در این زمینه ۱۷۴ مورد تقطیع و اختصار در کتاب به دست آمده که غالباً با واژه «الخبر» بیان شده است.

۳. ر.ک: جامع *أحاديث الشيعة*، ج ۲۵، ص ۵۸۲.

۴. ر.ک: همان، ج ۲۲، ص ۷۱۶.

۵. ر.ک: همان، ج ۳۰، ص ۲۱۲.

۶. ر.ک: همان، ج ۲۲، ص ۱۰۸.

۷. ر.ک: همان، ص ۱۶۲.

۸. ر.ک: همان، ص ۲۸۸.

۹. ر.ک: همان، ص ۵۱۶.

۱۰. ر.ک: همان، ج ۳۰، ص ۷۴۶.

۱۱. ر.ک: همان، ج ۲۳، ص ۴۳۶.

قرن	منبع	کلیدواژه	تعداد
۱۲	إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات	الحديث طويل اخذنا منه موضع الحاجة ^۱	۷
	بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار <small>عليهم السلام</small>	الحديث مختصر - الحديث طويل اخذنا منه موضع الحاجة - الخبر - الى ان قال - قطعة من الحديث ^۲	۱۴۵۱
	البرهان في تفسير القرآن	الحديث طويل اخذنا منه موضع الحاجة ^۳	۹۵
	تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب	الحديث طويل اخذنا منه موضع الحاجة ^۴	۲۰۳
	تفسير نور الثقلين	الحديث طويل اخذنا منه موضع الحاجة ^۵	۹۲۷
	تفصيل وسایل الشيعة	الى ان قال - الحديث - قطعة من الحديث ^۶	۱۰۰۷
	حلية الأبرار في أحوال محمد وآله الأطهار	قطعة من الحديث ^۷	۳
	الفصول المهمة في أصول الأئمة	قطعة من الحديث - الحديث طويل اخذنا منه موضع الحاجة ^۸	۱۴۸

۱. برای نمونه رک: ج ۱، ص ۲۹۹، ۴۱۱.

۲. برای نمونه رک: ج ۱۰۱، ص ۱۹۹ و ج ۲، ص ۲۷۴.

۳. برای نمونه رک: ج ۱، ص ۶۰.

۴. برای نمونه رک: ج ۲، ص ۲۸۸ و ۲۹۸.

۵. برای نمونه رک: ج ۳، ص ۱۹۷ و ۲۱۲.

۶. برای نمونه رک: ج ۱، ص ۸۵ و ۸۶.

۷. برای نمونه رک: ج ۱، ص ۲۱۲.

۸. برای نمونه رک: ج ۱، ص ۱۷۸ و ۲۵۶.

۳	الی ان قال - الحديث طويل اخذنا منه موضع الحاجة ^۱	مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ﷺ	
۵۹۸	الخبر ^۲	جامع احادیث الشیعة	۱۴
۱۴۵۴	قطعة من الحديث - الحديث طویل اخذنا منه موضع الحاجة ^۳	مستدرک الوسائل و مستنبت المسائل	

بنابراین، قرن دوازدهم تا چهاردهم، پرتعدادترین تقطیع‌های حدیثی در منابع شیعه را دارد. این دوره را می‌توان دوران اوج تقطیع در تمامی عصرهای حدیثی نامید. وجود جوامع متأخر حدیثی چون بحار الأنوار، وسائل الشیعه و جامع احادیث شیعه و تفاسیر روایی چون کنز الدقائق، نور الثقلین والبرهان فی تفسیر القرآن علت بالارفتن آمار انقطاع حدیث در این بُرهه شده است. نمودارهای زیر آمار کلی تقطیع^۴ را نشان می‌دهد که حاصل بررسی چهل منبع و مصدر حدیثی در دوره‌ها و قرن‌های مختلف است.

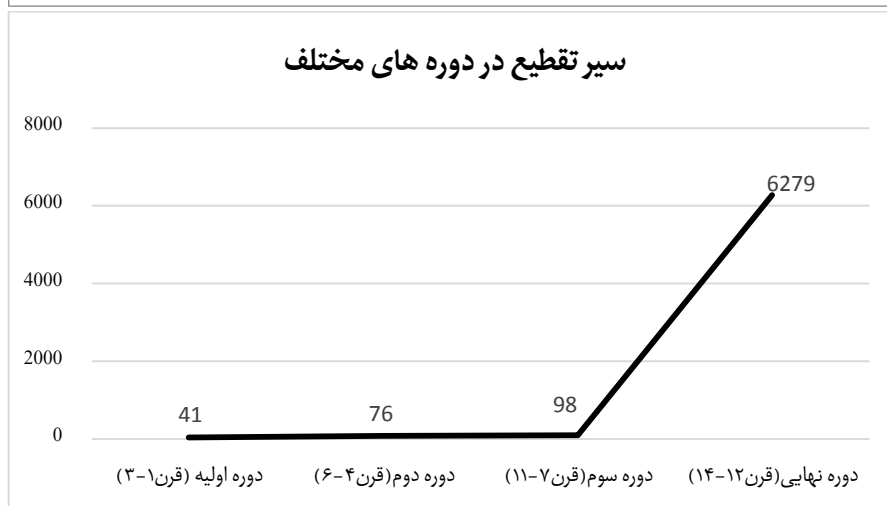
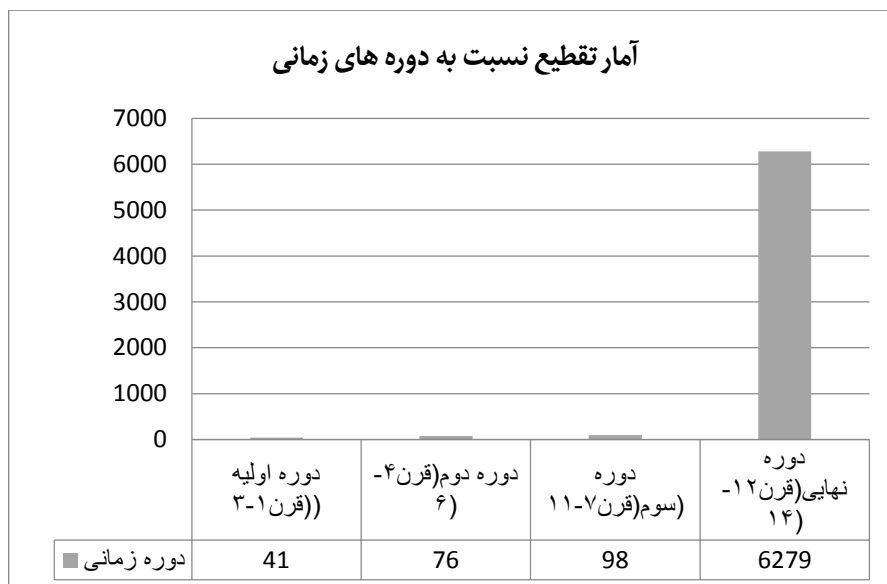


۱. ج ۱، ص ۲۹۸.

۲. برای نمونه رک: ج ۲۲، ص ۱۶۲ و ۴۱۸.

۳. برای نمونه رک: ج ۱۳، ص ۵۷ و ۲۴۰.

۴. از آن جا که تقطیع به دو گونه صورت گرفته است: ۱. تقطیع با نشان؛ به وسیله الفاظ خاص تقطیع ۲. تقطیع بدون نشان که بدون هیچ گونه لفظ و نشانه‌ای صورت می‌گیرد؛ بدین سبب بررسی آمار دقیق ممکن نیست و آنچه در این مقاله آمده است فقط بخشی از احادیث تقطیع شده با نشان را شامل می‌شود.



نتایج حاصل شده از بررسی این سیر تاریخی، به شرح ذیل است:

۱. سیر تاریخی تقطیع از ابتدای پیدایش حدیث بین راویان حدیث و عالمان وجود داشته است؛ این جریان تا به امروز ادامه یافته و مهم‌ترین نکته، مستمر بودن آن است.
۲. آمار تقطیع در ادوار چهارگانه متفاوت است؛ هر چند در برخی دوره‌ها مانند قرن ششم تا نهم به علت‌های گوناگون، آن چنان کم است که گویی تقطیعی صورت پذیرفته؛ اما حقیقت آن است که در سه دوره آغازین آن تا قرن یازدهم اختلاف زیادی بین آمار تقطیع واژگانی هست.

بر خلاف دوره‌های آغازین، قرن دوازدهم دوره شکوفایی و اوج تقطیع هست. نگارش کتاب‌های حدیثی مانند تفاسیر *روایي نور الثقلین* و *البرهان* و جوامع روایی مثل *بحار الانوار*، *وسایل الشیعه* نقش مهمی در این شکوفایی حدیثی و بالا رفتن آمار تقطیع واژگانی داشته‌اند. گفتنی است قرن سیزدهم، در میان منابع حدیثی تقطیع واژگانی دیده نمی‌شود؛ از این رو منبعی ذکر نشده است؛ اما در قرن چهاردهم جوامع حدیثی مانند *جامع الاحادیث* به همراه *مستدرک الوسائل* سببی برای بالا بردن آمار تقطیع شده‌اند.

نتیجه‌گیری

تقطیع در دوره آغازین با نگارش اصل‌های حدیثی شکل گرفت؛ منابعی چون *المحاسن*، *بصائر الدرجات* و *المسائل* از این عصر محسوب می‌شود. دوره دوم از قرن‌های چهارم تا ششم هم‌زمان با شکل‌گیری جوامع اصلی حدیثی چون *الکافی* و کتب اربعه به سبب تبویب حدیث، تقطیع ادامه دارد. در برهه‌ای از دوره سوم شامل قرن‌های ششم تا نهم، دوره فترت حدیث و به دنبال آن، کاهش چشم‌گیر تقطیع در منابع این زمان است. با شروع قرن دهم و ادامه آن در قرن یازدهم دوباره سیر تقطیع ادامه می‌یابد. با آغاز دوره چهارم از قرن دوازدهم تا معاصر، هم‌زمان با رونق حدیث، به دلیل تبویب در جوامع متأخر و نیز روی آوردن تفاسیر به تبیین روایی، تقطیع بسیاری شکل گرفته و دوران اوج تقطیع محسوب می‌شود؛ تفاسیر روایی مانند *تفسیر نور الثقلین* و جوامع حدیثی چون *بحار الانوار*، *وسایل الشیعه* و *جامع الاحادیث الشیعه* محصول این دوره است. این عصر با آمار تقطیع بسیار بالا از تمامی دوره‌های حدیثی شیعه متمایز می‌باشد. گفتنی است تعداد واژگان تقطیع که در این مقاله به دست آمده، یازده واژه می‌باشد.

افزون بر این، بر اساس آمار و نمودارهای به دست آمده، اگر محوریت نگارش حدیث در کتاب‌ها به دلایلی چون استفاده از روایت‌ها برای تبیین - مانند تفاسیر روایی - و همچنین باب‌بندی و دسته‌بندی جدید - چون جوامع روایی - بخواهد دوباره شکل گیرد، الگوی بالا رفتن تقطیع پیش‌بینی می‌شود؛ همان‌گونه که در قرن دوازدهم و چهاردهم این مسئله دیده شد.

پیشنهاد‌های پژوهشی

۱. بررسی سیر تاریخی تقطیع در منابع اهل سنت
۲. بازشناسی مفهوم تقطیع در منابع فریقین

کتاب نامه

۱. *إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، محمد بن حسن حر عاملی، بیروت: اعلمی، ۱۴۲۵ق.
۲. *الإختصاص*، محمد بن محمد (مفید)، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم: المؤتمر الشيخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۳. *الإستبصار فيما اختلف من الأخبار*، محمد بن حسن طوسی، محقق: حسن الموسوی خرسان، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۹۰ق.
۴. *الأصول الستة عشر*، محقق: ضیاء الدین محمودی، نعمت الله جلیلی، مهدی غلامعلی، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۳ق.
۵. *إعتقادات الإمامیة*، محمد بن علی (ابن بابویه)، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
۶. *أعلام الدین فی صفات المؤمنین*، دیلمی، حسن بن محمد، تحقیق: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
۷. *الإقبال بالأعمال الحسنة*، علی بن موسی بن طاووس، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ش.
۸. *الأمالی*، محمد بن حسن طوسی، محقق: مؤسسة البعثة، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۹. *الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان*، علی بن موسی بن طاووس، تحقیق: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، سال چاپ: ۱۴۰۹ق.
۱۰. *آداب امیر المؤمنین علیه السلام المشهور بحديث الاربعائه*، قاسم بن یحیی راشدی، تحقیق: مهدی خدامیان آرانی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۷ق.
۱۱. *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار؟ عههم؟*، محمدباقر مجلسی، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۲. *البرهان فی تفسیر القرآن*، سیدهاشم بحرانی، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامیة مؤسسة البعثة، قم: مؤسسه بعثت، ۱۳۷۴ش.
۱۳. *بشارة المصطفى لشعبة المرتضى*، عمادالدین طبری، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۳ق.
۱۴. *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، محمد بن حسن صفار، تحقیق: محسن بن عباسعلی کوجه باغی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۵. *تفسیر الصافی*، محمد محسن بن شاه مرتضی (فیض کاشانی)، تحقیق: حسین اعلمی، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.

۱۶. **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**، محمد بن محمدرضا قمی مشهدی، تحقیق: حسین درگاهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۱۷. **تفسیر فرات الکوفی**، فرات بن ابراهیم کوفی، تحقیق: محمد کاظم، تهران: موسسه نشر وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۱۸. **تفسیر نور الثقلین**، عبدعلی بن جمعة العروسی الحویزی، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۱۹. **تفصیل وسایل الشیعه**، محمد بن حسن حر عاملی، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۲۰. **تهذیب الاحکام**، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب اسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
۲۱. **التوحید**، محمد بن علی بن بابویه، محقق: هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق.
۲۲. **جامع أحادیث الشیعة**، حسین بروجردی، تحقیق: جمعی از محققان، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ ش.
۲۳. **حلیة الأبرار فی أحوال محمّد و آله الأطهار علیهم السلام**، بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۱ ق.
۲۴. **الخرائج و الجرائح**، قطب الدین راوندی، تحقیق: مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام، قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.
۲۵. **الخصال**، محمد بن علی ابن بابویه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۲۶. **الدروع الواقیة**، علی بن موسی بن طاووس، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۵ ق.
۲۷. **إختیار معرفة الرجال** (محمد بن عمر کشی)، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
۲۸. **الرعاية فی علم الدرایة**، زین الدین العاملی، تحقیق: عبدالحسین محمدعلی بقال، قم: مکتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۸ ق.
۲۹. **شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام**، نعمان بن محمد ابن حیون، محقق: محمد حسین حسینی جلالی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ق.
۳۰. **شرح الکافی الأصول و الروضة**، محمد صالح بن احمد مازندرانی، محقق: ابوالحسن شعرانی، تهران: المکتبة الإسلامیة، ۱۳۸۲ ق.
۳۱. **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل**، عبیدالله بن عبدالله حسکانی، محقق: محمد باقر محمودی،

تهران: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۱ق.

۳۲. **صحيفة الإمام الرضا**، احمد بن عامر طائى، تحقيق: محمد مهدي نجف، مشهد: كنگره

جهانى امام رضا، ۱۴۰۶ق.

۳۳. **الطوائف فى معرفة مذاهب الطوائف**، على بن موسى بن طاووس، تحقيق: على عاشور، قم:

خيام، ۱۴۰۰ق.

۳۴. **العدة فى اصول الفقه**، محمد بن حسن طوسى، قم: محمد تقى علاقبندان، اول، ۱۴۱۷ق.

۳۵. **علل الشرائع**، محمد بن على بن بابويه، قم: داورى، ۱۳۸۵ش.

۳۶. **عوالى اللئالى العزيزية فى الأحاديث الدينية**، محمد بن زين الدين بن ابى جمهور، محقق:

مجتبى عراقى، قم: دار سيد الشهداء، ۱۴۰۵ق.

۳۷. **عيون المعجزات**، حسين بن عبد الوهاب، قم: مكتبة الداورى، بى تا.

۳۸. **الغيبة**، محمد بن حسن طوسى، تحقيق: عباد الله تهرانى و على احمد ناصح، قم: دارالمعارف

الاسلاميه، ۱۴۱۱ق.

۳۹. **الفصول المهمة فى أصول الأئمة**، محمد بن حسن حر عاملى، تحقيق: محمد بن

محمد الحسين القائينى، قم: موسسه معارف اسلامى امام رضا، ۱۴۱۸ق.

۴۰. **الفضائل**، أبو الفضل شاذان بن جبرئيل ابن شاذان قمى، قم: رضى، ۱۳۶۳ش.

۴۱. **قرب الاسناد**، عبد الله بن جعفر حميرى، تحقيق: مؤسسة آل البيت، قم: مؤسسة آل

البيت، ۱۴۱۳ق.

۴۲. **كمال الدين و تمام النعمة**، محمد بن على ابن بابويه، تحقيق: على اكبر غفارى، تهران:

اسلاميه، ۱۳۹۵ق.

۴۳. **الكافى**، محمد بن يعقوب بن اسحاق كلينى، محقق: على اكبر غفارى و محمد آخوندى، تهران:

دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.

۴۴. **الكشف الوافى فى شرح أصول الكافى**، محمد هادى بن معين الدين محمد شريف شيرازى،

محقق: على فاضلى، قم: دار الحديث، ۱۳۸۸ش.

۴۵. **اللاهوف على قتلى الطفوف**، على بن موسى بن طاووس، مترجم: احمد فهري زنجانى، تهران:

جهان، بى تا.

۴۶. **المحاسن**، احمد بن محمد بن خالد برقى، تحقيق: جلال الدين محدث، قم: دارالكتب

الإسلامية، ۱۳۷۱ق.

۴۷. **مختصر البصائر**، حسن بن سليمان بن محمد حلى، تحقيق: مظفر مشتاق، قم: مؤسسة النشر

- الإسلامی، ۱۴۲۱ق.
۴۸. **مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول**، محمدباقر مجلسی، محقق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: دارالکتب الإسلامیة ۱۴۰۴ق.
۴۹. **مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها**، علی بن جعفر عریضی، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۵۰. **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، حسین بن محمد تقی نوری، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
۵۱. **معانی الأخبار**، محمد بن علی ابن بابویه، محقق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی واپسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۳ق.
۵۲. **المناقب الكتاب العتيق**، محمد بن علی بن الحسين علوی، تحقیق: حسین موسوی بروجردی، قم: دلیل ما، ۱۴۲۸ق.
۵۳. **من لا يحضره الفقيه**، محمد بن علی ابن بابویه، محقق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی واپسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۵۴. **نگاهی به دریا**، سید احمد مددی، قم: موسسه کتاب شناسی شیعه، اول، ۱۳۹۳ش.
۵۵. **نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین**، محمد محسن بن شاه مرتضی (فیض کاشانی)، تحقیق: مهدی انصاری قمی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱ش.
۵۶. **نوادر المعجزات فی مناقب الأئمة الهداة علیهم السلام**، محمد بن جریر طبری، محقق: باسم محمد اسدی، قم: دلیل ما، ۱۴۲۷ق.
۵۷. **الوافی**، محمد محسن بن شاه مرتضی (فیض کاشانی)، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیهم السلام، ۱۴۰۶ق.
۵۸. «جامع احادیث شیعه امتیازها و ضعفها و روش استفاده از آن»، محمد تبریزی، **مجله کاوشی نو در فقه**، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۵۶.
۵۹. «بررسی آسیب تقطیع نادرست در روایات» دکتر محمد علی راد، سیدعلی دلبری، فصل نامه **علوم حدیث**، سال پانزدهم، شماره اول، ص ۱۲۷ تا ۱۵۲.
۶۰. «تقطیع حدیث، علل و پیامدهای آن» مجید معارف، ابوالقاسم اوجاقلو، فصل نامه **پژوهش دینی**، تابستان ۱۳۸۴، شماره ۱۰، از صفحه ۶۵ تا ۸۶.
۶۱. **جزوه جوامع حدیثی فریقین**، محمدحسین بهرامی (جزوه تدریس شده در مرکز حدیث حوزه قم، ص ۵۷ تا ۷۲).